

بسم الله الرحمن الرحيم

## خلاصه کلاس آداب الصلوة - شب دهم ماه رمضان ۱۴۳۹

جوهره اصلی آداب قرائت در ابتدا ترتیل و یا شمرده شمرده خواندن است، سپس دخول در معنا یا تدبر در آیات تا برسد به تفهیم و تطبیق آیات؛ یعنی فرد متوجه باشد که قرآن با او حرف می زند. قرآن ذاتا این گونه است که اگر کسی آن را با توجه قرائت کند، هم بستری است برای پرورش افکار و هم صورت تطبیق آیات را در فرد بیدار می کند، چرا که قرآن فرا عصری است.

علامت ایمان حقیقی به کتاب، به جا آوردن حق تلاوت است. امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «به خدا شکایت می کنم از کسانی که عیششان عیش جهل است و مرگشان مرگ گمراهی. کالایی بی مقدارتر و بی ارزش تر از قرآن در نزد آن ها نیست و اگر قرآن تحریف شود، خشنود می گردند.»

پایه اول حق تلاوت تفکر و تدبر در قرآن است، در مرحله بعد پندگیری از قصه های قرآن یا تطبیق آیه بر خود است. اگر کسی از حقایق هستی عبرت گرفت، سالم می ماند و الا خودش آینه عبرت دیگران خواهد شد. در آن روایت حضرت (علیه السلام) بعد از بیان معنای حق تلاوت، نقطه مقابل آن را هم ذکر می کنند و می فرمایند حق تلاوت به معنای حفظ و تدریس حواشی قرآن نیست! مردم حروف قرآن را حفظ می کنند، اما حدود آن را رعایت نمی کنند! قرآن کتابی مبارک است تا در آیات آن تدبر شود. امیرالمومنین (علیه السلام) در روایتی می فرمایند: «بعد از من زمانی بر مردم خواهد آمد که چیزی کم رنگ تر از حق و چیزی پر رنگ تر از باطل نیست ... چون مردم حاملین قرآن را رها کرده اند.»

حال این سوال مطرح است که قرائت تطبیقی آیاتی که وجه خبری دارند، موضوعشان انسان نیست و در مورد خداست (مثل قل هو الله احد) چگونه است؟ تطبیق آیات توحید این گونه می شود که وقتی خدا همه کاره است، درب خانه مردم را زدن چه معنا دارد؟! یعنی دنبال غیر خدا رفتن کفر است. وقتی دنیا بی ارزش است، چرا من باید دنبال آن بروم؟ در تطبیق همیشه لازم نیست آیه با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» شروع شود، گزاره های خبری هم در خود حرف هایی دارد، لوازمی دارند که شناخت آن لوازم تطبیق بر نفس است.